

اثر ساختار بندی فرهنگی بر کنش فرهنگی فرهنگ شهرنشینی در بین اعضای

هیئت علمی دانشگاه پیام نور کشور

علیرضا مختاری^۱

رضا فاضل^۲

فیروز راد^۳

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۲

چکیده

فرهنگ شهرنشینی هویت‌های شهروندی و بنیان‌های عاملیت‌مند جاگیر شده هستند و با توجه به تنوع فرهنگی در کشور یکی از علل رعایت فرهنگ شهرنشینی می‌تواند به ساختار بندی فرهنگی مربوط باشد. روش تحقیق از نظر هدف بنیادی و کاربردی بوده و برای رسیدن به اهداف تحقیق از روش تحقیق ترکیبی استفاده شده است، در روش تحقیق کیفی با استفاده از روش دلفی به بررسی منابع، اسناد و مصاحبه از ۱۷ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند و بر مبنای تحلیل عاملی و تأیید متخصصان، مفاهیم شاخص بندی گردید در روش کمی با تدوین پرسشنامه و روش کمی معادلات ساختاری، فرضیه‌ها بررسی شده است. جامعه آماری کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه پیام نور با حجم نمونه ۳۵۱ نفر بر اساس جدول مورگان و نحوه نمونه‌گیری خوشه‌ای با تحت پوشش قرار دادن تمام قومیت‌ها می‌باشد، در بررسی روایی پرسشنامه نیز با توجه به استفاده از طیف لیکرت از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده گردیده است که مقدار آلفای کرونباخ ۰/۸۵ مشخص گردید. داده‌ها با نرم‌افزار Spss و Amos مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در ساختار بندی اسلامی، نظام اعتقادی متأثر از نظام شخصیتی و هنجارهای اسلامی تأثیر داشته و کنش‌های اسلامی و نظامی تأثیر داشته است. که مبین تأیید نظریه‌های دورکیم و بوردیو در این خصوص است در ساختار بندی غربی، اعتقاد و اعتقاد غربی و نظام شخصیتی متأثر از هنجارهای غربی تأثیر داشته است. که متناسب با نظریه‌های پارسونز و ارمه می‌باشد در ساختار بندی ایرانی، اعتقاد متأثر از کنش‌های ایرانی و نظام شخصیتی تأثیر داشته است. که متناسب با نظریه‌های ترنر و ارمه می‌باشد و بر مبنای ساختار بندی محلی، اعتقاد متأثر از اعتقاد محلی و نظام شخصیتی در کنش رعایت فرهنگ شهرنشینی تأثیر داشته است. که مبین تأیید نظریه دالگران در این خصوص می‌باشد.

۱- گروه جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- گروه جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

r.fazel@iauctb.ac.ir

۳- گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

واژگان کلیدی: کنش فرهنگی، فرهنگ شهرنشینی، ساختار بندی فرهنگی.

مقدمه

تنها استقرار فیزیکی در شهر معادل واژه شهرنشینی نیست، بلکه شهروند باید در مدیریت بهینه شهر ایفای نقش کند، چرا که شهرنشینی بستری را برای فعالیت‌های اجتماعی فرد مهیا می‌کند، بنابراین این می‌توان گفت که کارکرد اصلی فرهنگ شهرنشینی، اداره جامعه مبتنی بر رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام وظایف به‌منظور حفظ نهادهایی است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می‌دارند (فالكس، ۱۳۸۱: ۱۶۷)، رعایت فرهنگ شهرنشینی در افزایش احساس مسئولیت اجتماعی، اعتمادپذیری و تعهد مدنی مؤثر بوده است چرا که تعهد مدنی بر توازن بین نفع فردی و جمعی استوار است، با وجود آن عدم رعایت فرهنگ شهرنشینی از جمله مشکلات اولویت دار در ایران می‌باشد (همتی و احمدی، ۱۳۹۲: ۱۴۲). بدین صورت بر اساس تحقیقات انجام یافته با وجود اینکه رشد شهری شدن در کشور ما بسیار بالا بوده ولی نتوانسته رشدی توأم با فرهنگ شهرنشینی را در شهرها به‌وجود بیاورد و در نتیجه تحولات جمعیتی، گسترش رسانه‌ها و انقلاب اطلاعاتی، باعث ایجاد روستاهای شهرزده و یا شهرهای روستازده بوده است (فکوهی، ۱۳۸۸).

بدین صورت تحلیل و تبیین فرهنگ شهرنشینی در ایران یکی از مسایل اجتماعی اولویت‌دار می‌باشد، ساختار فرهنگ شهرنشینی، در این تحقیق به‌عنوان کنش فرهنگی در تعامل شاخص‌های نظام اعتقادی (اعتقاد به رعایت فرهنگ شهرنشینی در جامعه)، نظام شخصیتی (شخصیت ایجاد شده بر مبنای فرهنگ شهرنشینی) و نظام اجتماعی (نظام اجتماعی تأثیرگذار)، و نظام کنشی (کنش فرهنگ شهرنشینی) در تعامل همدیگر در نظر گرفته شده است.

در فرایند جامعه‌پذیری هر فردی، رفتارهای گوناگون را می‌آموزد و با الگوهای رفتاری، نهادها و گروه‌ها آشنا می‌شود، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را می‌شناسد و بر اساس آن‌ها ساختار فکری و فرهنگی خود را تشکیل می‌دهد و نسبت به امور و موضوعات مختلف نگرش‌ها، وجهه نظرها، گرایش‌های خاص و به‌طور کلی ساختار فرهنگی خاصی پیدا می‌کند و ساختار فرهنگی منحصر به فرد هر فرد او را از دیگر انسان‌ها آشکار و نهان در کنش‌هایش مقابل پدیده‌های مختلف متمایز می‌سازد و ساختار بندی فرهنگی هر فرد در قالب اعتقادات، هنجارها، منابع و کنش‌های اعتقادی در ساختار هر جامعه‌ای به‌عنوان ساختار بندی فرهنگی هر فرد قالب بندی می‌شود. با توجه به تنوع فرهنگی یکی از علل تفاوت کنش‌های افراد جامعه نسبت به فرهنگ شهرنشینی می‌تواند به نحوه ساختار بندی فرهنگی مربوط باشد که در این تحقیق در چهار شاخص: ساختار بندی فرهنگی اسلامی، غربی، ایرانی و محلی در نظر گرفته شده است. بدین صورت هدف اصلی تحقیق شناخت تأثیر ساختار بندی فرهنگی اسلامی، غربی، ایرانی و محلی بر کنش فرهنگی فرهنگ شهرنشینی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه پیام نور کشور

اثر ساختاربنندی فرهنگی بر کنش فرهنگی فرهنگ شهرنشینی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه ...

می‌باشد و مسأله اصلی این تحقیق این است که ساختاربنندی‌های متفاوت فرهنگی چه تأثیری در کنش فرهنگی فرهنگ شهرنشینی دارد؟ و بر این اساس فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر تدوین شده است.

فرضیه‌های تحقیق

- بین متغیرهای ساختاربنندی اسلامی و کنش فرهنگی (فرهنگ شهرنشینی) رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای ساختاربنندی ایرانی و کنش فرهنگی (فرهنگ شهرنشینی) رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای ساختاربنندی غربی و کنش فرهنگی (فرهنگ شهرنشینی) رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای ساختاربنندی محلی و کنش فرهنگی (فرهنگ شهرنشینی) رابطه وجود دارد.

مبانی نظری و تجربی

کنش فرهنگی:

نظریه کنش ریشه در کار ماکس وبر، در زمینه کنش اجتماعی دارد. هر چند وبر کارش را بر پایه مفروضاتی در زمینه کنشگران و کنش بنا نهاده بود، اما علاقه اصلی‌اش متوجه تأثیر الزام‌های فرهنگی و ساختاری روی کنشگران بود. کنش فرهنگی تحت عنوان رفتار فرهنگی یک مفهوم جامعه‌شناختی دارد که برای اولین بار توسط پیر بوردیو به کار برده شده است، به نظر وی رفتار فرهنگی یعنی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد و دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شود، بوردیو این مفهوم را به این منظور تبیین نمود تا نشان دهد عادت واره‌های فرهنگی در موفقیت افراد نقش بسیار مهمی دارند (Bourdieu, ۱۹۷۹: ۱۴).

بوردیو کنش فرهنگی را دارای سه بعد می‌داند که در بعد تجسم‌یافته به دانسته‌های فرد و آنچه که به صورت توانایی‌های فردی در آن‌ها درونی شده اشاره دارد، در بعد عینیت‌یافته مجموعه‌ای از میراث‌های فرهنگی مانند شاهکارهای هنری، فناوری ماشینی و قوانین علمی را در بر می‌گیرد که به صورت کتب و اسناد و اشیا در تملک اختصاصی افراد و در بعد نهادی به کمک ضوابط اجتماعی و به دست آوردن عناوین برای افراد کسب موقعیت می‌کند (روح‌الامینی، ۱۳۸۵: ۱۶). بنابر اینکه رفتار فرهنگی می‌تواند در شکل‌گیری هویت و غنا بخشیدن به فلسفه زندگی آن‌ها مؤثر واقع شود، رابطه رفتار فرهنگی و سبک‌های هویتی (ساختاربنندی فرهنگی) می‌تواند مهم باشد (Reber, ۲۰۰۱).

به نظر پارسونز سنت‌های فرهنگی اصلی غربی دیدگاه‌های متناقضی نسبت به جامعه دارند. از یک طرف دیدگاه‌هایی بودند (مانند فایده‌باوری، رفتارگرایی، مارکسیسم و داروینیسم اجتماعی) که آدمی را در حال انطباق با نیروهای فیزیکی یا اجتماعی می‌دانستند که خارج از کنترل مستقیم‌اش قرار دارند این نیروها آدمیان را وا می‌دارند تا به شیوه‌های معینی عمل کنند. از طرفی دیگر دیدگاه‌های رقیبی

(ایده‌السم آلمانی، تاریخ‌باوری و پراگماتیسم آمریکایی) وجود داشت که آدمی را مبدع و مدیر اعمال خود می‌دانند. چنین دیدگاه‌هایی شامل آن دسته از تبیین‌هایی می‌شود که رفتار را به ارزش‌ها یا باورهای فرد ارجاع می‌دهند. وی قصد داشت دیدگاهی خلق کند که آزادی شخصی و تعیین‌گرایی عینی را در هم ادغام کند تا به این وسیله شالوده‌های فکری مستحکمی برای لیبرالیسم غربی بنیان‌گذاری کند (سیدمن، ۱۳۸۸: ۹۹).

پدیده بنیادی در نظریه کنش پارسونز همان چیزی است که او واحد کنشی خوانده است. او این پدیده را بر حسب چهار عنصر سازنده مشخص می‌کند: این واحد به وجود یک کنشگر نیاز دارد؛ واحد کنشی مستلزم هدف یا وضعیتی آتی است که کنشگر نسبت به آن جهت‌گیری می‌کند، این کنش در موقعیتی انجام می‌گیرد که مستلزم دو عنصر است: چیزهایی که کنشگر نمی‌تواند تحت نظارت داشته باشد و دیگر آن چیزهایی که کنشگر می‌تواند بر آن‌ها نظارت داشته باشد. هنجارها و ارزش‌ها در جهت تعیین‌گری و وسایل دستیابی به هدف‌ها نقش بازی می‌کنند (ریتزر، ۱۳۸۹: ۵۳۰).

بدین صورت با توجه به انواع کنش در این پژوهش کنش فرهنگی در سطح رفتار فرهنگی در نظر گرفته شده است و فرهنگ شهرنشینی به‌عنوان کنشی که کنشگران در محیط اجتماعی نشأت گرفته از فرهنگ جامعه انجام می‌دهند به‌عنوان کنش‌های فرهنگی مشخص شده‌اند و هر کدام از این کنش‌ها نیز از عناصر نظام اعتقادی، نظام اجتماعی، نظام شخصیتی و نظام رفتاری تشکیل یافته‌اند که در زیر به بررسی کنش‌های فرهنگی فرهنگ شهرنشینی می‌پردازیم.

فرهنگ شهرنشینی:

فرهنگ «نظام در هم تنیده‌های از نشانه‌های قابل تفسیر» است و بستری است که در آن رخداد‌های اجتماعی، رفتارها، نهادها یا فرایندها رخ می‌دهد. با این تعریف مقدماتی می‌توان فرهنگ شهروندی را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها و رفتارها و قواعد مشترک بنیادینی تعریف کرد که احساس تعلق به جامعه و احترام به میراث مشترک و به رسمیت‌شناسی حقوق و وظایف شهروندی را در فرد بوجود می‌آورد، در فرهنگ شهروندی با هنجارهای قانونی و اشکال از قبل تعیین شده و انعطاف‌ناپذیر همانند حقوق شهروندی روبرو نمی‌شویم، بلکه با مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌هایی روبرو می‌شویم که انعطاف‌پذیری زیادی دارند؛ که این امر ناشی از وجود تفاوت‌ها و تنوعات فرهنگ شهری یا خرده‌فرهنگ‌های شهری است (نقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۸۴).

به نظر ارمه فرهنگ شهروندی دارای ویژگی‌های زیر است: اولین ویژگی این است که شهروندی باید مبتنی بر شناخت تاریخ و محیط باشد. دومین ویژگی فرهنگ شهروندی، تحصیل قواعد سلوک دموکراتیک است، چه از لحاظ رفتار و چه از نظر ارزش‌های اخلاقی، شهروند نه تنها باید به حقوق

اثر ساختاربندی فرهنگی بر کنش فرهنگی فرهنگ شهرنشینی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه ...

بلکه باید به وظایف خود آگاه باشد. از جمله وظایف او مبارزه برای محترم شمرده شدن حقوق وی می‌باشد. تکلیف دیگر، مدارا است «یعنی نگرش مربوط به همزیستی ساده ضمن حفظ فاصله با اشخاص و گروه‌هایی که بیگانه تلقی می‌شوند و بی‌تفاوتی را برمی‌انگیزند، به سخن دیگری گوش دهیم، حق متفاوت بودن او را بپذیریم و سرانجام تغییر و نوآوری را قبول کنیم» (ارمه، ۱۳۷۶: ۱۷۲).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که فرهنگ شهروندی دارای مؤلفه‌های زیر است:

۱- فرهنگ شهروندی یک کلیت است و از عناصر گوناگون تشکیل یافته است؛

۲- فرهنگ شهروندی، محصول جمعی است که توسط جامعه ساخته می‌شود؛

۳- فرهنگ شهروندی، تاریخ‌مند است؛

۴- فرهنگ شهروندی دارای پایداری نسبی است؛

۵- فرهنگ شهروندی یک طیف است و در جنبه‌های گوناگون، درجات متفاوتی به خود می‌گیرد

(فاطمی‌نیا و حیدری، ۱۳۸۹).

از نظر دالگرن فرهنگ مدنی یا به تعبیری فرهنگ شهروندی یکی از پیش‌شرط‌های ضروری برای حوزه عمومی پایدار و از این رو عملکرد دموکراسی است، دالگرن نه به یک فرهنگ مدنی بلکه به فرهنگ‌های مدنی باور دارد. به نظر وی فرهنگ مدنی به الگوهای فرهنگی دلالت دارد که در آن هویت‌های شهروندی و بنیان‌های عاملیت‌مندی جاگیر شده‌اند. فرهنگ مدنی در سطح افق‌های فکری بدیهی و چون و چراناپذیر حیات روزمره یا به تعبیر هابرماس «جهان زیست» عمل می‌کند.

از منظر بوردیو می‌توان آن را نوعی عادت‌واره مدنی در نظر گرفت. از نظر وی فرهنگ مدنی به آن ویژگی‌های دنیای اجتماعی - فرهنگی یعنی گرایش‌ها، کردارها و فرایندهایی دلالت دارد که پیش‌زمینه لازم برای مشارکت واقعی در حوزه عمومی، جامعه مدنی و جامعه سیاسی را فراهم می‌آورد. فرهنگ مدنی سازهای تحلیلی است که درصدد شناخت شقوق عمل افراد در نقش شهروندان است. به نظر دالگرن فرهنگ‌های مدنی متأثر از مجموعه‌ای از عوامل هستند که قطعاً خانواده و مدرسه در این میان اهمیت بنیادی دارند؛ پس از آن‌ها دسته‌بندی‌های گروهی، روابط اجتماعی قدرت، اقتصاد، نظام حقوقی و ظرفیت‌های سازمانی و رسانه تأثیر خاص خود را دارند (Dahlgren, ۲۰۰۹: ۱۰۳).

دالگرن فرهنگ مدنی را جریانی شش بعدی از روابط متقابل در نظر می‌گیرد که به روش‌های گوناگونی بر همدیگر تأثیر می‌گذارند. این شش مؤلفه عبارتند از: آگاهی، ارزش‌ها، اعتماد، فضاها، کردارها و هویت‌ها. به گفته دالگرن، افراد جامعه باید از آنچه که در جامعه در حال رخ دادن است آگاه باشند تا قادر به مشارکت در فضای عمومی باشند. آن‌ها باید قادر به کسب دانش مربوطه باشند این بعد ارتباط و وثیقی با ابعاد کردار و مهارت‌ها دارد. بعد دیگر ارزش‌ها هستند که می‌توانند محتوایی باشند مثل عدالت، مدارا و همبستگی یا ارزش‌های رویه‌ای مثل گشودگی و مسئولیت‌پذیری. بعد دیگر اعتماد است. اعتماد

معمولاً به‌عنوان مؤلفه مهم در دموکراسی شناخته می‌شود که می‌تواند مبتنی بر روابط شخصی تثبیت شده یا مبتنی بر صداقت تعمیم‌یافته و انتظار عمل دوسویه و متقابل باشد. مؤلفه دیگر فضاها یا به‌عبارتی دسترسی ارتباطی به بسترهای لازم برای کنش یا قابلیت دسترسی حوزه‌های عمومی به جهان زیست‌های شهروندان است. از آنجا که تمرکز اصلی دالگرن، بر روی رسانه‌های جدید است، این بعد را با توجه به رسانه‌های جدید تعریف کرده و بیان می‌کند که رسانه‌های جدید می‌توانند فضای ارتباطی مناسبی را برای شهروندان فراهم آورند. مؤلفه دیگر اعمال است که می‌توان آن‌ها را آموخت. در طی زمان اعمال مبدل به سنت‌ها و تجربیات مبدل به حافظه جمعی می‌شوند؛ از نظر وی دموکراسی باید در اعمال عینی و تکرار شونده فردی، گروهی و جمعی مرتبط با موقعیت‌های گوناگون جای گرفته باشد. بعد دیگر این مدل، هویت مدنی است که به نگرش‌های ذهنی مردم به خودشان به‌عنوان اعضاء و مشارکت‌کنندگان در دموکراسی مربوط است. هویت‌ها، ذخایر فرهنگ‌های مدنی هستند (Dahlgren, ۲۰۰۹: ۱۰۳).

فرهنگ شهروندی از عوامل متعدد تاریخی، اجتماعی، و سیاسی تأثیرپذیر است اما برای شکل‌گیری فرهنگ شهروندی نیاز به سه عنصر آرمانی است که یکی شهروند فعال (در عرصه خصوصی)، دیگری سازمان کارا و اثربخش (در عرصه عمومی) و سوم حاکمیت خوب (در عرصه دولت) می‌باشد. آنچه که این سه عرصه را به همدیگر پیوند می‌زند حقوق و تعهداتی است که به‌طور اخص نسبت به همدیگر و به‌طور اعم نسبت به جامعه دارند. هر چه یک جامعه به‌سوی شهروندی فعال، سازمان کارا و حاکمیت خوب پیش رود، آن جامعه بیشتر به تحقق فرهنگ شهروندی نزدیک می‌شود.

یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر فرهنگ شهروندی، آنومی است. آنومی وضعیتی است که در آن شیرازه تنظیم‌های اجتماعی از هم‌گسیخته می‌شود و نفوذ نظارت‌کننده جامعه بر گرایش‌های فردی کارایی‌اش را از دست می‌دهد و افراد جامعه به حال خود رها می‌شوند. برای دورکیم آنومی وضعیتی است که افراد تعهدی به حاکمیت اخلاقی جامعه ندارند و به شکل چشم‌گیری تحت تأثیر نمی‌باشند. از این رو احساس اضطراب، پریشانی و کمبود راهنمای اخلاقی می‌کنند، خواسته‌ها و آرزوهایشان نابسامان و تحت تأثیر خودخواهی‌هایشان قرار دارد. به‌نظر می‌رسد که دین‌داری با رعایت فرهنگ شهروندی رابطه مثبتی داشته باشد. دین‌داری یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد. از نظر دورکیم کارکردهای اجتماعی دین در جهت کاهش بی‌هنجاری اجتماعی و احساس مبتنی بر آن است و همچون ملات اجتماعی قوام‌بخش جامعه عمل است دین با تقویت یکپارچگی فرد و جامعه، درونی کردن ارزش‌های اخلاقی زندگی اجتماعی و

اثر ساختاربندی فرهنگی بر کنش فرهنگی فرهنگ شهرنشینی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه ...

تقویت الزام‌های اخلاقی درونی شده، به برقراری نظم اجتماعی کمک می‌کند (سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۷).

با وجود طیف گسترده نظریه‌های اجتماعی در فرهنگ شهرنشینی محور مشترک در تعریف جامعه‌شناسانه مفهوم شهرنشینی تأکید بر حقوق و وظایف شهروندی، مشارکت شهروندی، برابری شهروندی، هویت شهروندی و نقش پایگاه شهروندی فارغ از تعلقات اجتماعی، طبقاتی، قومی، نژادی و مذهبی اعضای جامعه است. جامعه‌شناسان کلاسیک؛ به‌ویژه، دورکیم و تونیس قائل به نوعی هویت عضویت و تعهد عقلایی، عرفی و مدنی جدید برای اعضای جامعه در قالب پدیده شهروندی هستند که به مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دموکراتیک و احساس تعلق اجتماعی بیشتر به جامعه منجر می‌گردد و نهایتاً به تقویت انسجام اجتماعی و نظم اجتماعی منجر می‌گردد. از این منظر شهروندی عقلانی و بری، شهروندی مدنی و عرفی دورکیمی و شهروندی عرفی و گزلفاشافتی تونیزی معنا پیدا می‌کند (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۷).

دورکیم جرم را عملی تعریف می‌کند که «وجدان عمومی را جریحه‌دار می‌کند»؛ جایی که فرهنگ شهروندی حضور فعال ندارد و یا محو و کم‌رنگ می‌شود، جرایم و بزهکاری و هنجارشکنی رواج می‌یابد (سختوت، ۱۳۷۷: ۲۹). پارسونز از جمله نظریه‌پردازان برجسته جامعه مدنی و حقوق شهروندی است. دیدگاه‌های وی درباره شهروندی ابتدا تأکید بر حفظ دموکراسی در آمریکا، در زمان جنگ جهانی دوم داشته است و برای حفظ این الگوی نگهداشت آمریکا بر ارزش‌های فرهنگی ریشه‌دار جامعه و استمرار پایایی آن در حوزه زندگی اجتماعی تأکید کرده است. به نظر او، مهم‌ترین ارزش‌هایی که باعث تقویت دموکراسی و بسط فرهنگ شهروندی در جامعه می‌گردد، شامل: الف) برخوردار بودن از روحیه عقلایی - انتقادی در دانش علمی؛ ب) احترام به قانون؛ ج) بهره‌مندی از آزادی‌های مدنی در قانون که رعایت آن بر عهده شهروندان است؛ د) درک همه‌جانبه بودن از مفهوم شهروندی است (کیویستو، ۱۳۷۸: ۹۹).

پارسونز قالب مفهوم شهروندی اجتماعی مدرنیته، با مبنا قرار دادن متغیرهای الگویی عام‌گرایی، بی‌طرفی ارزشی، اکتساب و نیز جامعه مبتنی بر قرارداد عرفی و مدنی تصویری شهروندی به‌عنوان نوعی کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی عرضه می‌کند. در مجموع، طرح نظری شهروندی و بری، دورکیمی و پارسونزی یکی از رویکردهای سه‌گانه مطرح در جامعه‌شناسی شهروندی است که تأکید آن بر عقلانیت عرفی شده، عضویت و تعهد اجتماعی مدنی، مشارکت و تعلق اجتماعی تمامی اعضای جامعه باهدف تقویت انسجام و نظم اجتماعی مدرن است و از نوعی جهت‌گیری دموکراتیک و لیبرالی به معنای سیاسی آن برخوردار است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۷).

ترنر یک طرح تکمیلی و تجربی برای مطالعه شهروندی ارائه داده است که می‌توان آن را مبنایی برای «رویکرد جامعه‌شناسی تجربی شهروندی» تلقی کرد. در طرح ترنر پدیده شهروندی با چهار مؤلفه

جامعه‌شناسی تحلیل و تبیین می‌شود: الف) شکل اجتماعی شهروندی: اینکه شهروندی از بالا به پایین؛ یعنی از دولت به سمت جامعه شکل گرفته است. یا از پایین به بالا؛ یعنی از جامعه و نهادهای مدنی به سمت دولت؛ ب) قلمرو اجتماعی شهروندی: شهروندی بیشتر متمایل به شکل‌گیری در حوزه عمومی بوده است یا خصوصی؛ پ) گونه اجتماعی شهروندی عمدتاً و در عمل ناظر به ایفای وظایف، تکالیف و مسؤولیت‌ها و تعهدات شهروندی بوده است؛ یا معطوف به حق و امتیازات شهروندی بوده است. علاوه بر این مؤلفه‌ها در طرح تجربی ترنر به دو مقوله جامعه‌شناسی دیگر نظیر نیروهای اجتماعی شهروندی؛ یعنی اینکه کدام دسته از نیروهای اجتماعی شهروندی و نهادسازی‌ها و بسترسازی‌هایی برای تحقق و تقویت شهروندی توجه شده است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۸). از نظر ترنر آموزش فرهنگ شهروندی ارتباط به مشارکت فرهنگی افراد جامعه دارد و باید شهروندان در امور مربوط به فرهنگ عمومی جامعه آموزش ببینند و خود را مسؤول بدانند و در گسترش آن مشارکت کنند (شریبتیان، ۱۳۸۷: ۱۲۳). از دیدگاه کارکردگرایی نیز در دو سطح کارکردگرایی درون‌گرا و برون‌گرا به این موضوع - اخلاق شهروندی - مورد بررسی قرار گرفته شده است. بنابر رویکرد کارکردگرایانه درون‌گرا، محور اصلی بحث در ارتباط با فرهنگ شهروندی، تحلیل‌های کارکردی از ساخت هنجاری اخلاق است که رفتار شهروندان را شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، در این رویکرد رفتار شهروندان اساساً از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اخلاقی، سازماندهی و هدایت شهروندان به سوی کنش‌ها و تعاملات و جلوگیری از انحراف آنان (کارکرد کنترل) است. فرض اساسی و زیربنای این رویکرد، این است که وجود هم‌نوایی گسترده با هنجارهای فرهنگ شهروندی و روابط اخلاقی در میان شهروندان، باعث کنترل تعصبات ذهنی و فکری شهروندان و از میان رفتن مقاومت آنان در برابر الگوهای صحیح فرهنگ شهروندی می‌گردد که نهایتاً موجب رشد و گسترش معرفت فرهنگ شهروندی و رسیدن به انسجام اجتماعی می‌شود. توجه‌محوری به مناسبات درونی و کنش متقابل شهروندان و شبکه‌های ارتباطی درون اخلاق و فرهنگ و داخل «اجتماع شهروندی» باعث می‌شود که از رویکرد کارکردگرایانه درونی به رویکرد کنش متقابل تعبیر شود. از بعد رویکرد کنش متقابل پیدایش فرهنگ شهروندی، امری به شدت تعاملی در نظر گرفته می‌شود؛ به گونه‌ای که رشد اخلاق و فرهنگ و تغییر در علایق شهروندی امری به فعالیت شبکه‌ای از شهروندان مربوط می‌گردد. کنش متقابل میان شهروندان، از مجموعه هنجارهای فرهنگی جامعه تبعیت می‌کند در رویکرد کارکردگرایانه برون‌گرا، فرض استقلال فضای شهروندی (فرهنگی، اخلاقی و . . .) از سایر فضاهای جامعه، مردود تلقی می‌شود و به بررسی تأثیرپذیری جامعه شهروندی (فرهنگی) از سایر فضاهای جامعه، مانند: نهاد سیاست، اقتصاد، دین و متقابلاً تأثیرگذاری فضای شهروندی بر آنها می‌پردازد؛ اما آنچه در این دو تحلیل مشترک است، کارکردگرایانه بودن فرهنگ شهروندی، به عنوان نقطه شروع تحلیل است (خلفی، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

ساختار بندی فرهنگی ایرانیان (تلفیق نظریه‌های گافمن، پیتر بلاو، گیدنز و احمد اشرف)

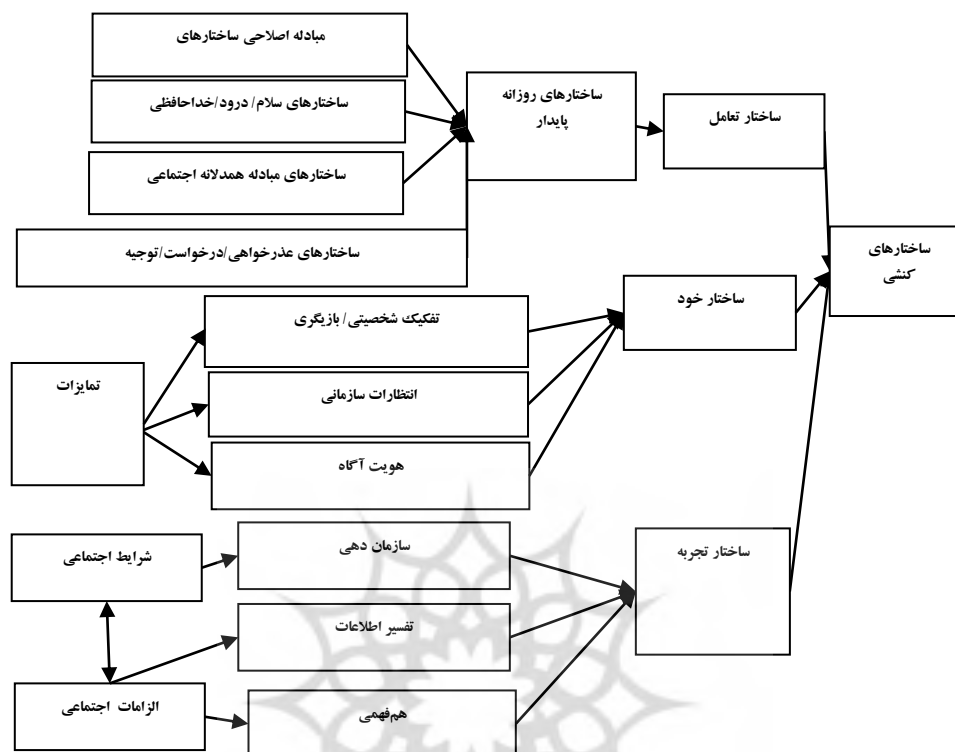
اثر ساختاربندی فرهنگی بر کنش فرهنگی فرهنگ شهرنشینی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه . . .

در رهیافت نظری برای تدوین الگوی تشکیلی ساختار به صورت کلی و ساختاربندی به صورت خاص از ساختار گرایی گافمن^۱، نظریه ساختاری پیتر بلاو^۲ و نظریه ساختاربندی^۳ آنتونی گیدنز^۴ استفاده شده است و نیز جهت تطبیق مدل تلفیقی با در شرایط مکانی با (کنشگران ایرانی) از مدل سه هویتی احمد اشرف استفاده شده است.

بر اساس دیدگاه گافمن ساختار کنش از ابعاد تعامل، خود و تجربه شکل گرفته است بدین صورت که ساختار تعامل را می توان نشأت گرفته از ساختارهای پایدار روزانه طرح نمود که از تعامل ساختارهای ابعاد مبادله اصلاحی، احوال پرسی، مبادله همدلانه شکل گرفته است و بدین صورت ساختار خود از تمایزات تفکیک شخصیتی، انتظارات سازمانی و هویت آگاه تشکیل شده است و ساختار تجربه نیز در سازمان دهی، تفسیر اطلاعات، هم فهمی در شرایط و الزامات اجتماعی شکل می گیرد (Giddens A, ۱۸: ۱۹۸۹) که می توان آنرا در مدل زیر نشان داد.



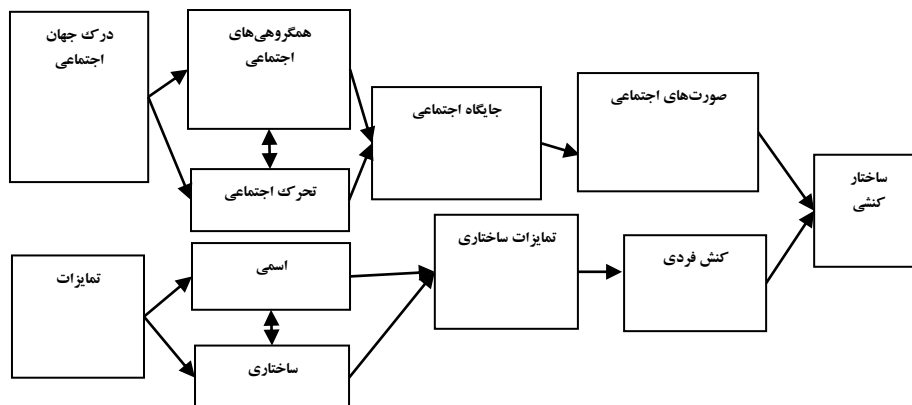
-
- ۱ -Goffman
 - ۲ -Peter Blu
 - ۳ -structuration
 - ۴ -Anthony Giddens



شکل شماره (۱): مدل مفهومی ساختارگرایی از دیدگاه گافمن

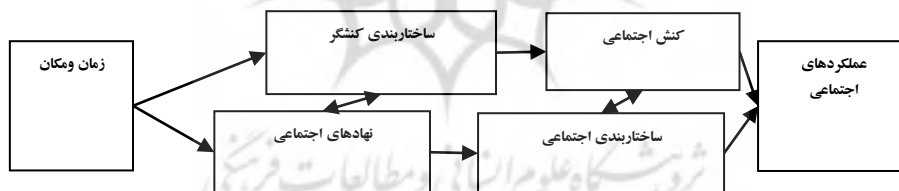
پیتر بلاو ساختار کنش را در ابعاد صورت‌های اجتماعی و کنش فردی مطرح می‌نماید که در تکوین کنش نقش دارند، بدین صورت که درک جهان اجتماعی، تعامل بین هم‌گروهی‌های اجتماعی و تحرک را ایجاد می‌نماید و بر اساس آن جایگاه اجتماعی صورت‌های اجتماعی را شکل می‌دهد و از طرفی تمایزات موجود بین عوامل اسمی و ساختاری تمایزات ساختاری را ایجاد می‌نماید و بدین صورت کنش فردی ایجاد شده و عاملی در ساختار کنشی محسوب می‌شود (Blau, ۱۹۶۴: ۲۲۲-۲۲۳)، که می‌توان آنرا در مدل زیر نشان داد.

اثر ساختار‌بندی فرهنگی بر کنش فرهنگی فرهنگ شهرنشینی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه ...



شکل شماره (۲): مدل مفهومی ساختار ساختاری پیتربلاو

در نظریه ساختار‌بندی^۱ آنتونی گیدنز^۲ ترسیم ساختار‌بندی در دیدگاه گیدنز در پهنه عملکردهای اجتماعی می‌باشد که در فرایند زمانی و مکانی شکل می‌یابد و بدین صورت کنش‌های اجتماعی نیز خود از ساختاری تشکیل یافته‌اند و هر ساختاری جهت بقای خود به کنش اجتماعی نیازمند است. بدین صورت کنشگران و ساختار در عملکردهای اجتماعی به هم تنیده هستند (Giddens A, ۱۹۸۴: ۹) که می‌توان آنرا در مدل زیر نشان داد.



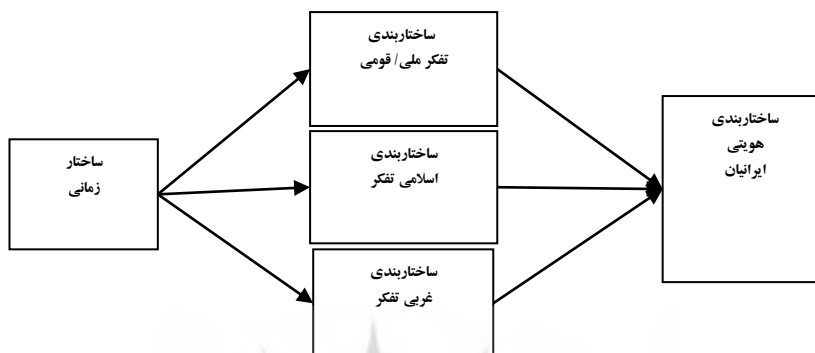
شکل شماره (۳): مدل مفهومی ساختار ساختاری پیتربلاو

در دیدگاه احمد اشرف سه ساختار تفکری در بین ایرانیان باعث ایجاد و تکوین سه هویت متفاوت گردیده است که به صورت تاریخی و در فرایند زمان می‌توان آنرا در قالب تفکر ملت‌پرستانه ملی و قومیتی، تفکر نشأت گرفته از تفکرات مدرن و پست‌مدرن فرهنگ غربی و تفکر اسلامی دسته‌بندی نمود

۱- structuration

۲- Anthony Giddens

که هر کدام در شکل‌گیری هویت ایرانیان نقشی داشته است (اشرف، ۱۳۹۵: ۲) که می‌توان آنرا در مدل زیر نشان داد.



شکل شماره (۴): مدل مفهومی احمد اشرف در ترسیم ساختار هویتی ایرانیان

پیشینه تحقیق

مرور پیشینه تحقیق، در تبیین مناسب یافته و نتیجه‌گیری، مؤثر خواهد بود، لذا در زیر به برخی از پژوهش‌های پیشین در این حوزه اشاره می‌شود:

(نیکزاد، ۱۳۹۸) در تحقیق خود تحت عنوان: بررسی رابطه فرهنگ شهرنشینی با تعاملات در فضاهای شهری در شهر ملایر بر اساس روش پیمایش و ابزار پرسش‌نامه جهت گردآوری اطلاعات استفاده شده است. نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران حجم ۳۸۴ نفر محاسبه گردیده نتایج: تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که بین متغیرهایی مانند مسئولیت‌پذیری، نوع دوستی، توجه به محیط زیست و غریبگی با تعاملات در فضاهای شهری در شهر ملایر رابطه معنی‌دار و مستقیم وجود دارد یعنی با افزایش در میزان هر یک از متغیرهای مسئولیت‌پذیری، فردگرایی، توجه به محیط زیست و غریبگی می‌توان سطح تعاملات در فضاهای شهری در شهر ملایر را افزایش داد. در عین حال بین نوع دوستی با تعاملات در فضاهای شهری در شهر ملایر رابطه معنی‌دار و معکوس وجود دارد.

(تقی‌زاده، ۱۳۹۴)، در تحقیقی تحت عنوان: بررسی تطبیقی فرهنگ شهرنشینی در میان خانواده‌های مرفه‌نشین و غیرمرفه‌نشین منطقه ۲ شهر تهران براساس نظریه نوربرت الیاس درصدد بررسی تطبیقی فرهنگ شهرنشینی در میان خانواده‌های مرفه‌نشین و غیرمرفه‌نشین منطقه ۲ شهر تهران براساس نظریه نوربرت الیاس می‌باشد. در این پژوهش ۱۵۰ خانواده که ۷۵ خانواده مرفه‌نشین و ۷۵ خانواده غیرمرفه‌نشین منطقه ۲ شهر تهران می‌باشند با استفاده از روش در دسترس انتخاب شدند. چارچوب

اثر ساختاربندی فرهنگی بر کنش فرهنگی فرهنگ شهرنشینی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه . . .

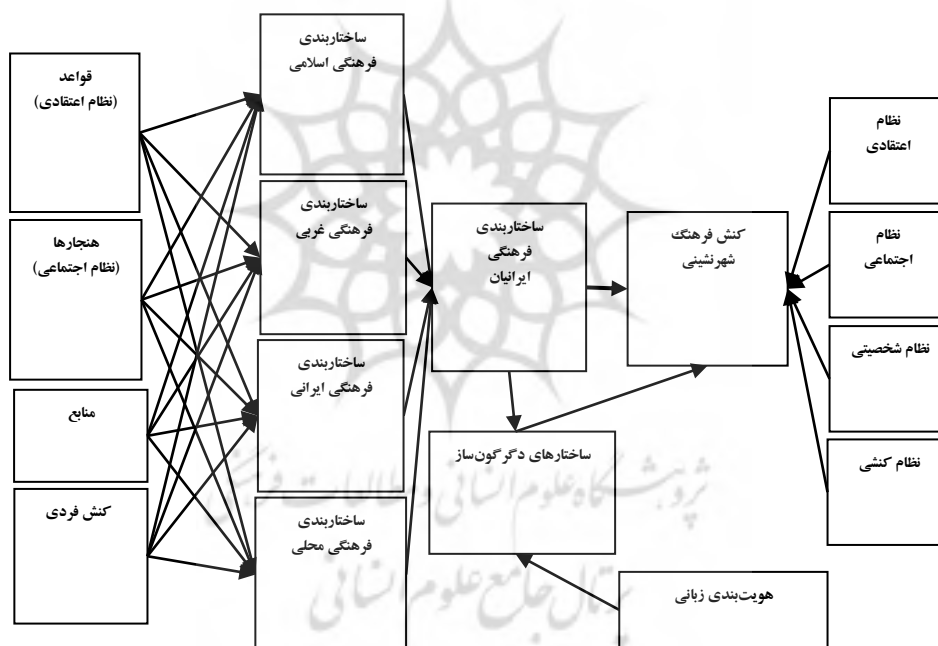
نظری این پژوهش نظریه نوربرت الیاس است که با استفاده از نظریه نوربرت الیاس متغیرهای خشونت - فردگرایی - وابستگی متقابل انسان‌ها - شرم و دستپاچگی - انزجار و کنترل اجتماعی در ارتباط با فرهنگ شهرنشینی در بین خانواده‌های مرفه‌نشین و غیرمرفه‌نشین منطقه ۲ شهر تهران بررسی شدند. فرضیه‌ها در این پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون آماری Z فیشر آزمون شدند. نتیجه گرفته شد بین خانواده‌های مرفه‌نشین و غیرمرفه‌نشین منطقه ۲ شهر تهران از نظر خشونت - شرم و دستپاچگی - انزجار و وابستگی متقابل انسان‌ها تفاوت وجود دارد و از نظر فردگرایی و کنترل اجتماعی تفاوتی وجود ندارد.

(کریمیان، زارعی، ۱۳۹۶)، در تحقیق خود تحت عنوان عوامل مؤثر بر نوگرایی جوانان در فرهنگ، شهرنشینی برمبنای اینکه برای بررسی میزان نوگرایی افراد باید آن‌ها را در بطن شهرها مورد مطالعه قرار داد زیرا شهرها دائماً در حال تغییر و تحول هستند. از این رو هدف این تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر نوگرایی جوانان در فرهنگ شهرنشینی است. تحقیق حاضر به‌لحاظ هدف کاربردی، به‌لحاظ ماهیت توصیفی از نوع همبستگی و به‌لحاظ روش پیمایش است. جامعه آماری تحقیق را کلیه جوانان ۲۹-۱۵ ساله شهر تهران تشکیل دادند. بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه ۴۰۰ نفر تعیین شد که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. به‌منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌ای شامل ۳۰ گویه استفاده شد. روایی صوری و محتوایی گویه‌ها با استفاده از نظر کارشناسان بررسی، تأیید و اصلاح شد. آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق نیز بالای ۰/۷ بدست آمد که بیانگر هماهنگی درونی گویه‌ها و پایایی قابل قبول آن‌ها بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون دو متغیره و با کاربرد نرم‌افزار انجام گرفت. براساس نتایج ضریب تعیین تعدیل شده حاکی از این بود که متغیرهای میزان دینداری، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، پایگاه اجتماعی اقتصادی و میزان تحصیلات به ترتیب حدود ۲۲٪، ۵۰٪، ۳۴/۲٪ و ۲/۵۱٪ از تغییرات متغیر میزان نوگرایی جوانان را تبیین کرده است و ضریب رگرسیون استاندارد شده نیز مشخص کرد به ازاء یک واحد افزایش در میزان دینداری، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، پایگاه اجتماعی اقتصادی و میزان تحصیلات جوانان میزان نوگرایی آن‌ها در فرهنگ شهرنشینی ۰/۲۳٪ می‌یابد افزایش ۸/۶۱٪ و ۱/۴۸٪، ۵۵٪.

(همتی، احمدی، ۱۳۹۲)، در تحقیق خود تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین‌کننده آن در شهر ایوان شهروندی و هدف اصلی آن بررسی مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی و برخی از متغیرهای اجتماعی تبیین‌کننده آن می‌باشد، بوده است. در زمینه فرهنگ شهروندی، هشت مؤلفه مدارای اجتماعی، مشارکت‌جویی، انجام رفتارهای مدنی، اعتماد بین شخصی، عام‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، نوع‌دوستی و گرایش به پیروی از قانون برای سنجش این مفهوم در نظر گرفته‌اند. به‌منظور آزمون

تجربی مدل مفهومی، پژوهش میدانی به شیوه پیمایشی طراحی گردید که در آن ۳۷۶ نفر از شهروندان بالای ۲۰ سال شهر ایوان مشارکت داشتند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در مجموع پاسخگویان نمره متوسط به بالایی از شاخص فرهنگ شهروندی کسب کرده‌اند. همچنین نتایج حاکی از رابطه مثبت باورهای مذهبی و رابطه منفی احساس انومی با شاخص ترکیبی فرهنگ شهروندی می‌باشد.

(هاشمیان فر و گنجی، ۱۳۸۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان، با استفاده از نظریه‌ها و مدل‌های گوناگون، ابعاد کمی و کیفی فرهنگ شهروندی را در اصفهان مورد بررسی قرار دادند، نتیجه حاصل از این پژوهش مبین آن است که میزان پایبندی شهروندان اصفهانی به هنجارها و اصول شهروندی در حد متوسط می‌باشد. عدم رعایت قوانین و فقدان فرهنگ تعاون و همکاری، از موانع عمده فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان است که باید شهروندان، مسئولان و برنامه‌ریزان جهت رفع این موانع و تقویت فرهنگ شهروندی، تلاش کنند.



شکل شماره ۵: مدل مفهومی تحقیق (منبع: محققان تحقیق)

براساس شکل شماره ۵ مدل مفهومی تحقیق، براساس متغیر وابسته تحقیق که بر مبنای استفاده مستقل از نظریه‌های دورکیم، بوردیو، پارسونز، ارمه و ترنر و پیشینه تحقیقات انجام یافته در چهار شاخص نظام اعتقادی که حاکی از اعتقاد به رعایت فرهنگ شهرنشینی در هر فرد و نظام شخصیتی بر

اثر ساختاربندی فرهنگی بر کنش فرهنگی فرهنگ شهرنشینی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه . . .

مبنای شخصیت تکوین شده بر مبنای قانون‌پذیری بوده است و نظام اجتماعی که نشانگر نظم و مقررات اجتماعی جامعه می‌باشد و نظام کنشی نیز مبنای تعامل سه نظام مطرح شده تدوین شده است و نیز در تدوین متغیرهای مستقل تحقیق که نشانگر فرضیه‌های تحقیق نیز می‌باشد، ساختاربندی فرهنگی که باتلفیق نظریه‌های گافمن، پیتر بلاو، گیدنز و احمد اشرف تدوین شده است، بدین صورت که بر اساس نظریه‌های مورد نظر می‌توان گفت که ساختاربندی فرهنگی ایرانیان در فرایند تاریخی و اجتماعی خود در چهار نوع تکوین شده است که هر کدام نیز در درون خود دارای نظام اعتقادی منحصر به خود بوده که بر مبنای آن هنجارها و ارزش‌های خود را در جامعه ایجاد و بسط داده است و نیز منابع مادی و معنوی خود را نیز در جامعه برای بقای خود ایجاد نموده و بر مبنای دو شاخص نظام اعتقادی از هنجارها و ارزش‌های خود محافظت نموده است و نیز نظام کنشی (فرهنگ شهرنشینی) افراد که ناشی از تعامل سه شاخص قبلی بوده و باعث ایجاد و تقویت آن گردیده است.

روش تحقیق

با توجه به گستردگی تحقیق از لحاظ نظری و جامعه آماری مورد بررسی و اینکه این تحقیق در پی بررسی فرضیه‌ها و مدل تدوین یافته پژوهش می‌باشد از لحاظ هدف از نوع تحقیقات بنیادی و کاربردی است. برای رسیدن به اهداف تحقیق روش این پژوهش یک روش ترکیبی است که هم از روش کیفی هم از روش کمی استفاده شده است. بدین صورت که در این تحقیق از روش کیفی، کمی استفاده شده است روش گردآوری داده‌ها نیز استفاده از روش کیفی دلفی و روش کمی (پرسشنامه) می‌باشد. از روش دلفی به این دلیل استفاده شده که با استفاده از نظرات متخصصان شاخص‌سازی متغیرها به صورت مناسب انجام پذیرد و هم‌پوشی شاخص‌های تعریف شده نیز جلوگیری گردد.

جامعه نمونه در این تحقیق در بخش روش کیفی (دلفی) براساس نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند می‌باشد که تعداد ۱۷ نفر از اعضای هیئت علمی تمام وقت دانشگاه‌های پیام نور کشور در رشته‌های علوم انسانی بوده است. در استفاده از روش دلفی که در سه راند به بررسی متغیرها پرداخته شده است در دو راند اول و دوم بر اساس شاخصه‌های آمار توصیفی: مد، میانه، میانگین و انحراف معیار، متغیرهایی که بیشترین پراکندگی و کمترین اجماع متخصصان را داشته‌اند حذف گردید و در راند سوم با استفاده از شاخص آماری تحلیل عاملی همگنی گویه‌ها در شاخص‌سازی متغیرها مورد بررسی و طبقه‌بندی قرار گرفت و مورد تأیید نهایی متخصصان گردید و بر اساس آن پرسشنامه تحقیق تدوین شده است که در شکل ۶ و ۷ گویه‌های تعریف شده مربوط به شاخص‌های مورد بررسی متغیرها نشان داده شده است.

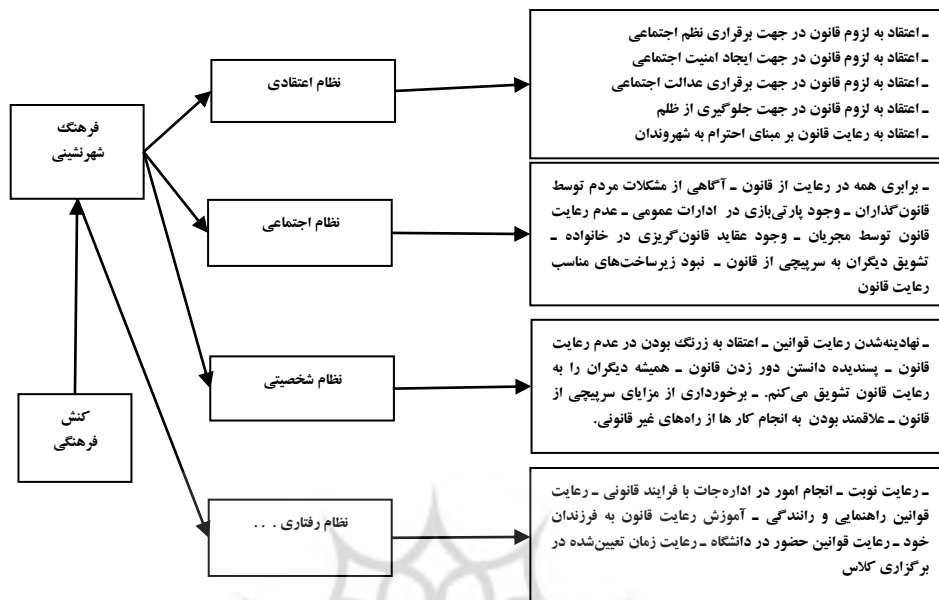
با توجه به گستردگی جامعه آماری و پراکندگی آن در سطح کشور. جامعه آماری این تحقیق شامل همه اعضای هیئت علمی دانشگاه پیام نور می‌باشند که براساس آمار اعلام شده، اعضای هیئت علمی

۳۹۰۰ نفر می‌باشند. که با استفاده از جدول مورگان ۳۵۱ از مراکز و واحدهای پیام نور به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند بدین صورت که از ۳۱ استان، با استفاده از تکنیک‌های از نمونه‌گیری خوشه‌ای با تحت پوشش قرار دادن تمام قومیت‌های کشور ۱۶ استان به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند و با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نمونه مورد بررسی انتخاب شده است بدین صورت که از استان آذربایجان شرقی ۲۴ نفر، آذربایجان غربی ۱۵ نفر، خراسان رضوی ۴۲ نفر، اردبیل ۱۲ نفر، خرم‌آباد ۱۵ نفر، تهران غرب ۵۷ نفر، تهران جنوب ۴۸ نفر، اصفهان ۳۶ نفر، شیراز ۳۰ نفر، تربت جام ۹ نفر، مهاباد ۹ نفر، سنندج ۱۵ نفر، زاهدان ۱۵ نفر، اهواز ۶ نفر، ساری ۹ نفر و رشت ۹ نفر انتخاب گردید و با استفاده از تکنیک‌های نمونه‌گیری تصادفی ساده نمونه آماری انتخاب گردید. در جمع‌آوری داده‌ها از دو روش پرسشنامه مجازی و فیزیکی استفاده شده است، بدین صورت که پرسشنامه تدوین شده در محیط پرسشنامه‌ساز مجازی طراحی گردیده و با هماهنگی از نمونه‌های انتخاب شده لینک پرسشنامه جهت تکمیل در اختیار نمونه آماری قرار داده شده است و در تکمیل پرسشنامه‌های فیزیکی نیز با حضور در مراکز و واحدهای دانشگاهی داده‌ها جمع‌آوری شده است. در مورد اعتبار وسیله اندازه‌گیری، از نظرات داوران خارجی بهره گرفته شده است و در بررسی روایی پرسشنامه نیز با توجه به استفاده از طیف لیکرت از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده گردیده است که مقدار آلفای کرونباخ ۰/۸۵ مشخص گردید. و در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به پراکندگی شاخص‌های مورد بررسی در متغیرهای وابسته و نیز در متغیرهای مستقل جهت بررسی فرضیه‌های تحقیق از روش معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار spss و amos داده‌ها مورد تحلیل آماری استفاده شده است.

جهت معرفی مفاهیم و متغیرهای تحقیق در تبیین مؤثرتر در زیر به بررسی شاخص‌بندی متغیرها به تفکیک متغیرهای وابسته و مستقل پراخته شده است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

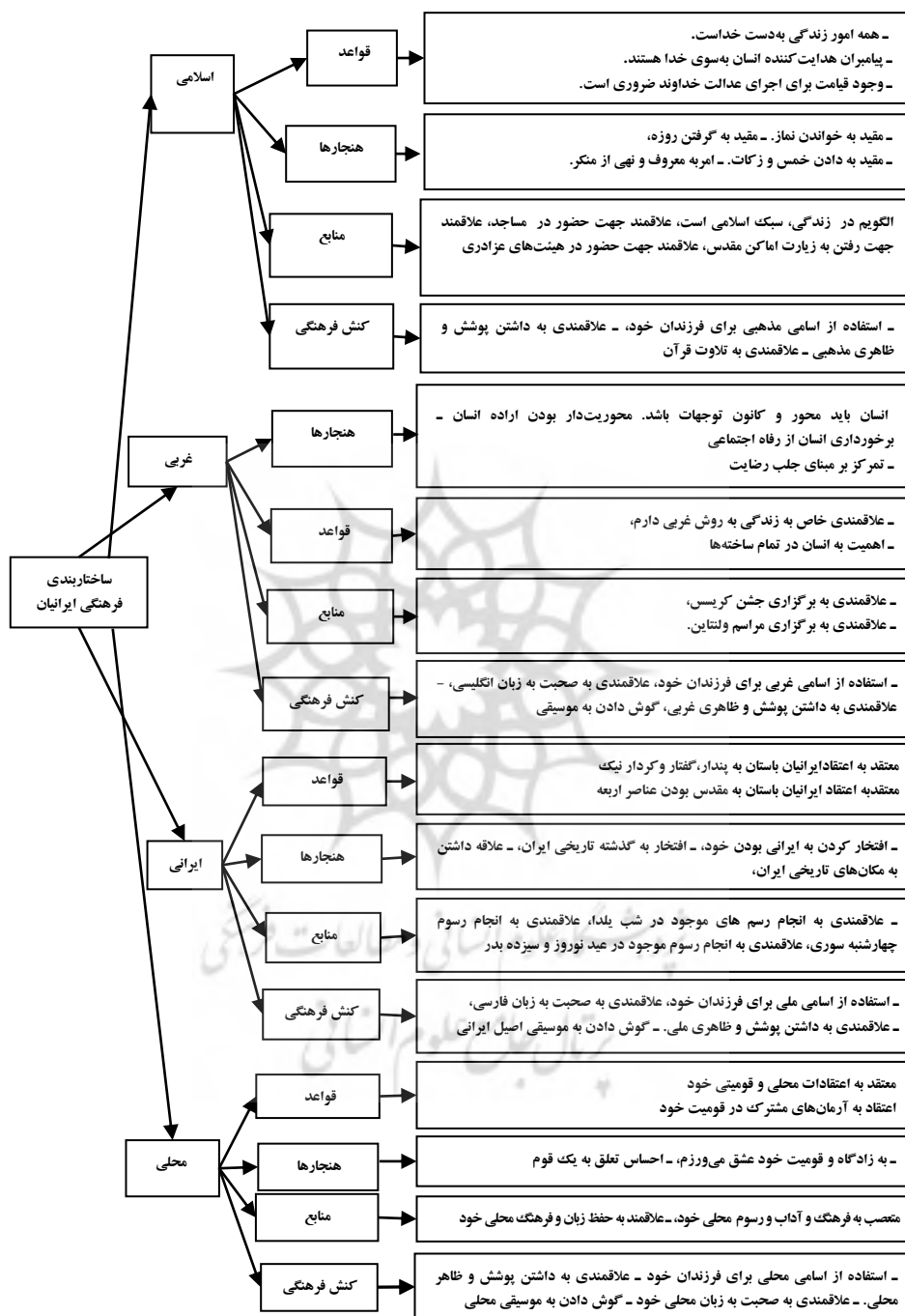
اثر ساختاربندی فرهنگی بر کنش فرهنگی فرهنگ شهرنشینی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه ...



شکل شماره (۶): تعریف عملیاتی متغیرهای مربوط به متغیر وابسته تحقیق بر اساس نتایج مصاحبه (فرهنگ شهرنشینی)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

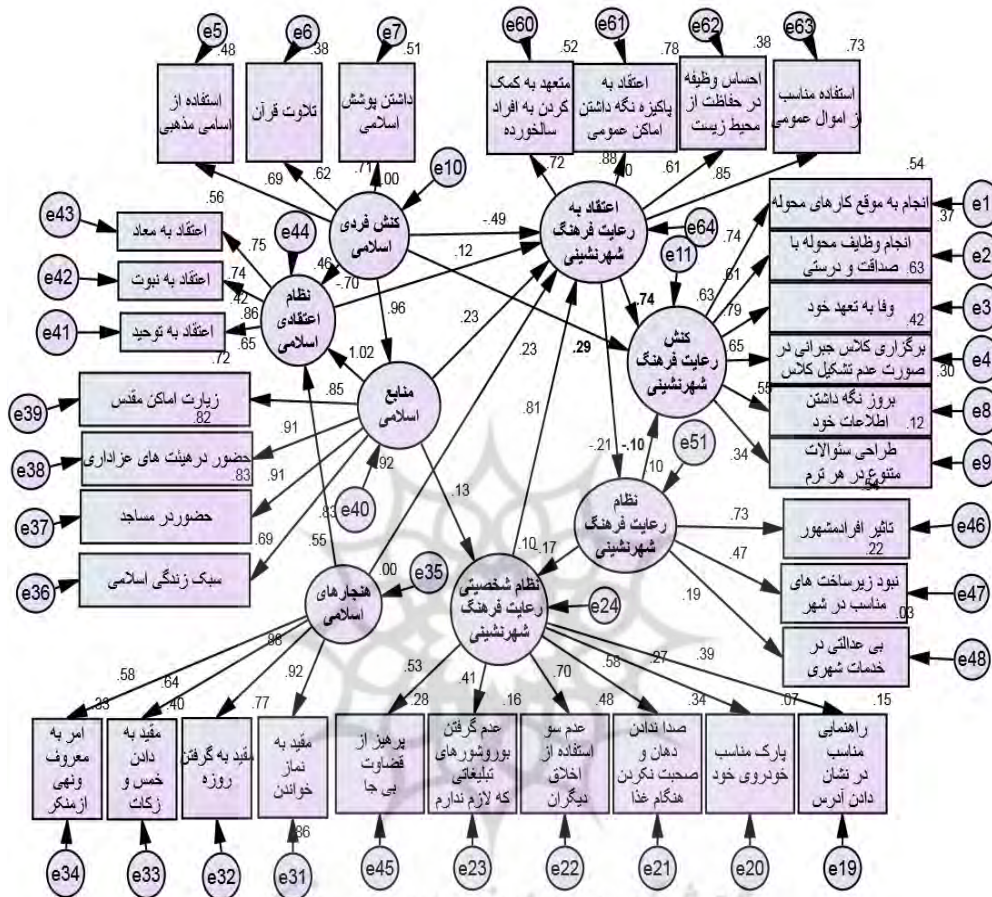
تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال نوزدهم، شماره هفتاد و دوم، بهار ۱۴۰۱



شکل شماره (۷): تعریف عملیاتی متغیرهای مربوط به متغیرهای مستقل تحقیق بر اساس نتایج مصاحبه (ساختار بندی فرهنگی)

اثر ساختاربندی فرهنگی بر کنش فرهنگی شهرنشینی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه ...

یافته‌ها



شکل شماره (۸): بررسی فرضیه: رابطه بین متغیرهای ساختاربندی اسلامی و فرهنگ شهرنشینی

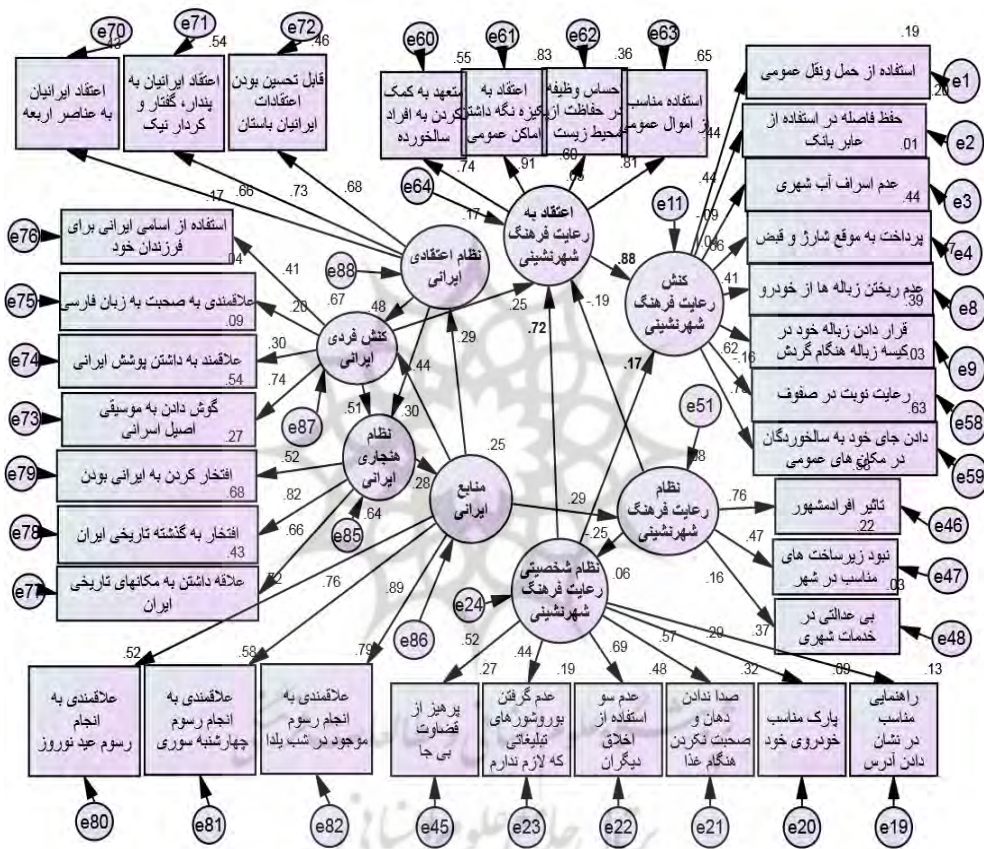
جدول شماره (۱): شاخص‌های ارزیابی کیفیت مدل ساختاری: بررسی ساختاربندی فرهنگی اسلامی بر فرهنگ شهرنشینی

کای اسکوار chi-Squar	سطح معنی‌داری کای اسکوار Sig- chi-Squar	نسبت کای به درجه آزادی chi Squar/(df)	ریشه میانگین مربعات خطای تکویی برازش (RMSEA)	تعدیل یافته (AGFI)	تکویی برازش تعدیل یافته (NFI)	برازش هنجار یافته (NFI)
۱۴/۱۱۴	۰/۱۶۸	۱/۴۱	۰/۰۳۶	۰/۹۹۶	۰/۹۷۵	۰/۹۸۷

بر اساس اطلاعات به‌دست آمده از جدول ۱ می‌توان گفت که برازش داده‌ها به مدل برقرار می‌باشد و در نتیجه از تمامی شاخص‌ها این‌طور استنباط می‌شود که مدل پژوهش برازش مطلوبی دارد. و براساس اطلاعات به‌دست آمده از شکل ۸، مدل مفهومی تأثیرگذاری ساختاربندی فرهنگی اسلامی در نمونه مورد

اثر ساختاربندی فرهنگی بر کنش فرهنگی فرهنگ شهرنشینی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه ...

اطلاعات به دست آمده از شکل ۹، مدل مفهومی تأثیرگذاری ساختاربندی فرهنگی غربی در نمونه مورد بررسی می‌توان گفت که در مدل مورد بررسی اعتقاد به فرهنگ شهرنشینی ۰/۹۴ و نظام اعتقادی غربی ۰/۱۲ و نظام شخصیتی ۰/۱۲ ایجاد شده بر اساس متأثر از پایداری به هنجارهای غربی ۰/۱۵ در کنش رعایت فرهنگ شهرنشینی تأثیر داشته است.

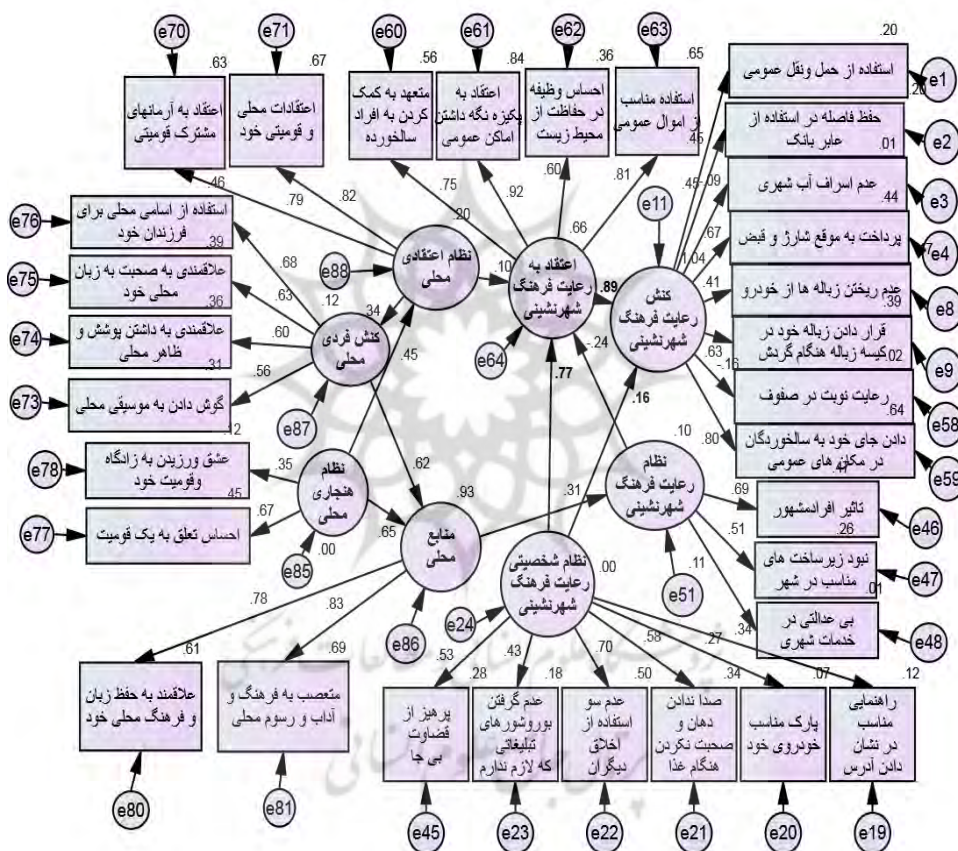


شکل شماره (۱۰): بررسی فرضیه: رابطه بین متغیرهای ساختار بندی ایرانی و فرهنگ شهرنشینی

جدول شماره: (۳)، شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل ساختاری: بررسی ساختار بندی فرهنگی ایرانی بر فرهنگ شهرنشینی

کای اسکور chi-Squar	سطح معنی داری کای اسکور Sig- chi-Squar	نسبت کای به درجه آزادی chi Squar/(df)	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	تکویی برازش (GFI)	تکویی برازش تجدیل یافته (AGFI)	برازش هنجار یافته (NFI)
۲۰/۷۷	۰/۰۵۷	۱/۷	۰/۰۴۸	۰/۹۸۴	۰/۹۵۲	۰/۹۶۳

بر اساس اطلاعات به دست آمده از جدول ۳ می‌توان گفت که برازش داده‌ها به مدل برقرار می‌باشد و در نتیجه از تمامی شاخص‌ها این‌طور استنباط می‌شود که مدل پژوهش برازش مطلوبی دارد و براساس اطلاعات به دست آمده از شکل ۱۰، مدل مفهومی تأثیرگذاری ساختاربنندی فرهنگ غربی بر کنش فرهنگ شهرنشینی می‌توان گفت در مدل مورد بررسی اعتقاد به فرهنگ شهرنشینی ۰/۸۸ متأثر از کنش‌های ایرانی ۰/۲۴ و نظام شخصیتی ایجاد شده ۰/۱۷، در کنش رعایت فرهنگ شهرنشینی تأثیر داشته است.



شکل شماره (۱۱): بررسی فرضیه: رابطه بین متغیرهای ساختاربنندی محلی و فرهنگ شهرنشینی

جدول شماره (۴): شاخص‌های ارزیابی مدل ساختاری: بررسی ساختاربنندی فرهنگی محلی بر فرهنگ شهرنشینی

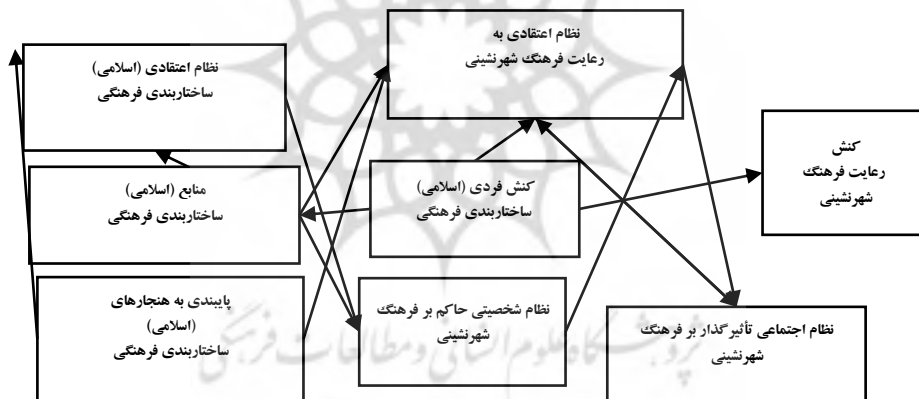
کای اسکوار	سطح معنی داری کای اسکوار	نسبت کای به درجه آزادی	ریشه میانگین مربعات خطای	تکویی برازش	تکویی برازش	کای اسکوار
chi-Squar	Sig- chi-Squar	chi Squar/(df)	برآورد (RMSEA)	(GFI)	تعدیل یافته (AGFI)	هنجار یافته (NFI)
۷/۹	۰/۷۴	۰/۷۹	۰/۰۰۰	۰/۹۹۴	۰/۹۷۸	۰/۹۹۲

اثر ساختاربندی فرهنگی بر کنش فرهنگی فرهنگ شهرنشینی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه . . .

بر اساس اطلاعات به دست آمده از جدول ۴ می‌توان گفت که برازش داده‌ها به مدل برقرار می‌باشد و در نتیجه از تمامی شاخص‌ها این‌طور استنباط می‌شود که مدل پژوهش برازش مطلوبی دارد و براساس اطلاعات به دست آمده از شکل ۱۱، مدل مفهومی تأثیرگذاری ساختاربندی فرهنگ محلی در نمونه مورد بررسی می‌توان گفت در مدل مورد بررسی اعتقاد به فرهنگ شهرنشینی ۰/۸۹ متأثر از نظام اعتقادی محلی ۰/۱۰ و نظام شخصیتی ۰/۱۶ ایجاد شده، در کنش رعایت فرهنگ شهرنشینی تأثیر داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس مدل نظری پژوهش و نیز مدل تدوین شده متغیرهای مستقل، با توجه به متفاوت بودن مدل‌ها در چهار تفکیک‌بندی ساختاربندی فرهنگی (اسلامی، غربی، ایرانی و محلی) می‌توان مدل طرح شده در خصوص متغیرهای مستقل را تأیید نمود بر این اساس در خصوص تأثیر هر کدام از ساختاربندی‌های فرهنگی به ارائه مدل‌های تأیید شده و ربط نظری هر کدام با نظریه‌های استفاده شده می‌پردازیم.

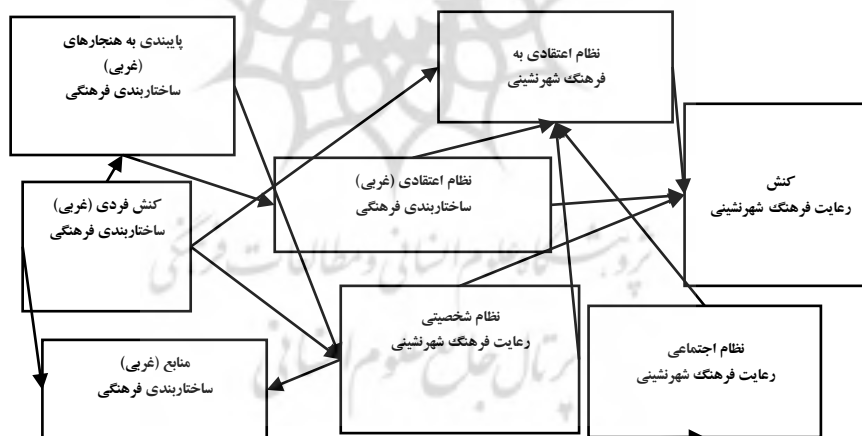


شکل شماره (۱۲): مدل تأیید شده تأثیر ساختاربندی فرهنگ اسلامی بر کنش فرهنگ شهرنشینی

بر اساس اطلاعات به دست آمده از شکل ۱۲، مدل مفهومی تأثیرگذاری ساختاربندی فرهنگ اسلامی در نمونه مورد بررسی می‌توان گفت که در مدل مورد بررسی نظام اعتقادی متأثر از نظام شخصیتی و پایبندی به هنجارهای اسلامی تأثیر داشته و انجام کنش‌های اسلامی و نظام نیز در کنش رعایت فرهنگ شهرنشینی تأثیر داشته است.

بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان نظریه‌های دورکیم و بوردیو را مرتبط با مدل مورد بررسی دانست بدین صورت که از نظر دورکیم کارکردهای اجتماعی دین در جهت کاهش بی‌هنجاری اجتماعی و احساس مبتنی بر آن است و همچون ملات اجتماعی قوام‌بخش جامعه عمل است دین با درونی کردن ارزش‌های اخلاقی زندگی اجتماعی و تقویت الزام‌های اخلاقی درونی شده، به برقراری نظم اجتماعی کمک می‌کند و با توجه به اینکه در مدل تأیید شده تأثیر ساختار بندی فرهنگ اسلامی کنش فردی اسلامی باعث تقویت رعایت فرهنگ شهرنشینی شده است که نشانگر ربط نظری نتایج به دست آمده با نظریه دورکیم می‌باشد.

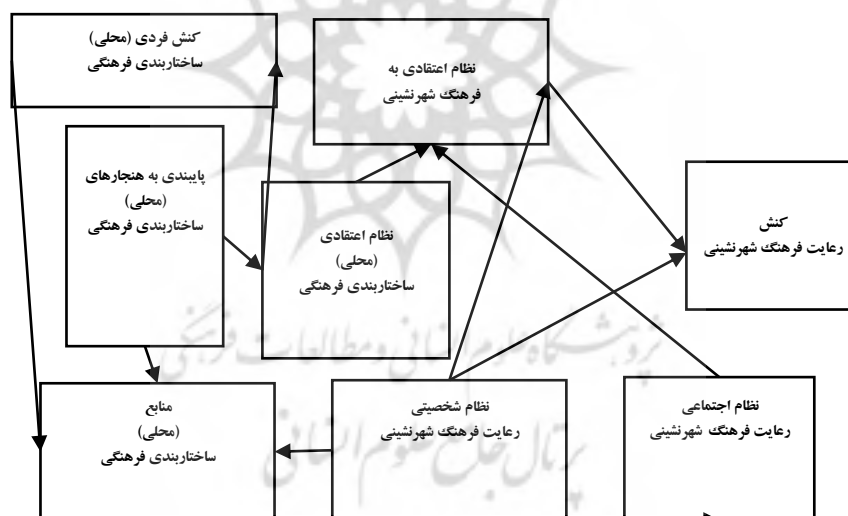
از منظر بوردیو می‌توان آن را نوعی عادت‌واره مدنی در نظر گرفته شده است. از نظر وی فرهنگ شهرنشینی به آن ویژگی‌های دنیای اجتماعی - فرهنگی یعنی گرایش‌ها، کردارها و فرایندهایی دلالت دارد که پیش‌زمینه لازم برای مشارکت واقعی در حوزه عمومی، جامعه مدنی و جامعه سیاسی را فراهم می‌آورد. و با توجه به اینکه در مدل تأیید شده تأثیر ساختار بندی فرهنگ اسلامی شخصیت ایجاد شده شهروندی تحت تأثیر اعتقاد اسلامی و منابع اسلامی به صورت عادت‌واره درآمده است و در اعتقاد به شهرنشینی با تأثیر نظام در فرهنگ شهرنشینی تأثیر داشته است که نشانگر ربط نظری نتایج به دست آمده با نظریه بوردیو می‌باشد.



— مدل شماره: (۱۳)، مدل تأیید شده تأثیر ساختار بندی فرهنگ غربی بر کنش فرهنگ شهرنشینی

بر اساس اطلاعات به دست آمده از شکل ۱۳، مدل مفهومی تأثیر گذاری ساختار بندی فرهنگ غربی در نمونه مورد بررسی می‌توان گفت که در مدل مورد بررسی اعتقاد به فرهنگ شهرنشینی و نظام

اجتماعی شهروندی و نهادسازی‌ها و بسترسازی‌هایی برای تحقق و تقویت شهروندی توجه شده است. ترنر از دیدگاه کارکردگرایی نیز در دو سطح کارکردگرایی درون‌گرا و برون‌گرا فرهنگ شهرنشینی را مورد بررسی قرار گرفته شده است. بنابر رویکرد کارکردگرایانه درون‌گرا، محور اصلی بحث در ارتباط با فرهنگ شهروندی، تحلیل‌های کارکردی از ساخت هنجاری اخلاق است که رفتار شهروندان را شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، در این رویکرد رفتار شهروندان اساساً از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اخلاقی، سازماندهی و هدایت شهروندان به سوی کنش‌ها و تعاملات و جلوگیری از انحراف آنان (کارکرد کنترل) است بدین صورت با توجه به تأثیر نظام شخصیتی ایرانی بوجود آمده اعتقاد به رعایت فرهنگ شهرنشینی متأثر از منابع ایرانی نشانگر ربط نظری نتایج به دست آمده با نظریه ترنر می‌باشد. به نظر اِرمه فرهنگ شهروندی دارای ویژگی‌های زیر است: اولین ویژگی این است که شهروندی باید مبتنی بر شناخت تاریخ و محیط باشد بدین صورت با توجه به نتایج به دست آمده با توجه به تأثیر منابع ایرانی و انجام کنش‌های ایرانی بر اعتقاد به فرهنگ شهرنشینی و تأثیر آن بر کنش شهرنشینی مبین ربط نظری نتایج به دست آمده با نظریه اِرمه می‌باشد.



شکل شماره (۱۵): مدل تأیید شده تأثیر ساختار بندی فرهنگ محلی بر کنش فرهنگ شهرنشینی

بر اساس اطلاعات به دست آمده از شکل ۱۵، مدل مفهومی تأثیر گذاری ساختار بندی فرهنگ محلی در نمونه مورد بررسی می‌توان گفت در مدل مورد بررسی اعتقاد به فرهنگ شهرنشینی متأثر از نظام اعتقادی محلیو نظام شخصیتی ایجاد شده، در کنش رعایت فرهنگ شهرنشینی تأثیر داشته است.

اثر ساختاربندی فرهنگی بر کنش فرهنگی فرهنگ شهرنشینی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه . . .

بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان نظریه دالگران را مرتبط دانست، به نظر دالگرن، افراد جامعه باید از آنچه که در جامعه در حال رخ دادن است آگاه باشند تا قادر به مشارکت در فضای عمومی باشند. آن‌ها باید قادر به کسب دانش مربوطه باشند این بعد ارتباط وثیقی با ابعاد کردار و مهارت‌ها دارد. بعد دیگر ارزش‌ها هستند که می‌توانند محتوایی باشند مثل عدالت، مدارا و همبستگی یا ارزش‌های روی‌های مثل گشودگی و مسئولیت‌پذیری. بعد دیگر اعتماد است. اعتماد معمولاً به‌عنوان مؤلفه مهم در دموکراسی شناخته می‌شود که می‌تواند مبتنی بر روابط شخصی تثبیت شده یا مبتنی بر صداقت تعمیم‌یافته و انتظار عمل دوسویه و متقابل باشد. مؤلفه دیگر فضاها یا به‌عبارتی دسترسی ارتباطی به بسترهای لازم برای کنش یا قابلیت دسترسی حوزه‌های عمومی به جهان زیست‌های شهروندان است. بدین صورت با توجه به نتایج به دست آمده با توجه به تأثیر پایبندی به هنجارهای محلی و نظام اعتقاداتی محلی بر اعتقاد به فرهنگ شهرنشینی مبین ربط نظری نتایج به دست آمده با نظریه دالگران می‌باشد.

بدین صورت براساس نتایج به دست آمده می‌توان پیشنهادات زیر را مطرح نمود:

- تقویت نظام شخصیتی رعایت فرهنگ شهرنشینی (ترویج فعالیت‌های جمعی و پذیرش فرهنگ شهرنشینی در فرایند اجتماعی شدن) با قانونمند کردن ساختار نظام اجتماعی (افزایش اعتماد به روحانیون، تولیدکنندگان، فروشندگان، همشهریان، همکاران، مسئولین دانشگاه، مسئولین دولتی) با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و سامانه‌های متناسب.

- تقویت نظام اعتقادی فرهنگ شهرنشینی (تقویت علاقمند بودن به عزت ملی کشور، تقویت علاقمندی در جهت افزایش وحدت و همبستگی ملی و تقویت فعالیت‌های جمعی) در فرایند اجتماعی شدن در خانواده، مدرسه، دانشگاه و رسانه‌های اجتماعی.

- در بین افراد متمایل به ساختاربندی فرهنگ اسلامی جهت افزایش میزان فرهنگ شهرنشینی، قانونمندی کنش‌های فردی اسلامی (گسترش و ترویج قرآن، ترویج استفاده از اسامی مذهبی برای فرزندان، ترویج پوشش اسلامی بر مبنای تقویت قانونمند منابع اسلامی) (ساماندهی و ترویج زیارت اماکن مقدس، ترویج و مانع‌زایی جهت حضور در مسجد و هیئت‌های مذهبی، ترویج سبک زندگی اسلامی).

- در بین افراد متمایل به ساختاربندی فرهنگ غربی تقویت اعتقاد به فرهنگ شهرنشینی به‌عنوان یک قرارداد اجتماعی جهت برقراری نظم، امنیت و عدالت اجتماعی در فرایند اجتماعی شدن در خانواده، مدرسه، دانشگاه و رسانه‌های اجتماعی.

- در بین افراد متمایل به ساختاربندی فرهنگ ایرانی جهت افزایش میزان فرهنگ شهرنشینی، تقویت نظام اعتقادی رعایت فرهنگ شهرنشینی (تقویت علاقمند بودن به عزت ملی کشور، تقویت علاقمندی

در جهت افزایش وحدت و همبستگی ملی و تقویت فعالیت‌های جمعی (با کنترل تأثیرات نظام اجتماعی (افزایش اعتماد به روحانیون، تولیدکنندگان، فروشندگان، همشهریان، همکاران، مسئولین دانشگاه، مسئولین دولتی) و تقویت کنشی ساختاربنندی فرهنگ ایرانی (تقویت زبان فارسی، ترویج پوشش‌های سنتی ایرانی و ترویج موسیقی ایرانی) با تقویت منابع ایرانی (تقویت رسوم شب یلدا، رسوم مربوط به چهارشنبه سوری و عید نوروز).

- در بین افراد متمایل به ساختاربنندی فرهنگ محلی جهت افزایش میزان فرهنگ شهرنشینی، تقویت نظام اعتقادی رعایت فرهنگ شهرنشینی با تقویت منابع محلی از جمله (تقویت عناصر مادی و معنوی فرهنگ محلی و تقویت زبان‌های محلی) و کنش‌های فردی محلی (ایجاد مجوزهای لازم جهت استفاده از اسامی محلی برای نام‌گذاری، ترویج پوشش و موسیقی‌های محلی) و نیز تقویت و نظام هنجاری (شناساندن داستان‌ها، قهرمان‌ها، فولکورهای، طب سنتی محلی).

پیشنهاد می‌گردد که در تحقیقات آتی به تأثیر متغیرهای مداخله‌گر بیشتر در رابطه بین متغیرها مد نظر قرار گیرد و در جامعه آماری‌های دیگر نیز بررسی و نتایج آن مقایسه گردد. و نیز پیشنهاد می‌گردد که جهت بررسی اهداف تحقیق از روش کیفی دیگر از جمله گزند تئوری، تحلیل گفتمان نیز استفاده گردد.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اثر ساختاربنندی فرهنگی بر کنش فرهنگی فرهنگ شهرنشینی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه ...

منابع

- ارمه، گ، (۱۳۷۶)، فرهنگ و دموکراسی، (م، ثابت‌فر، مترجم) تهران: انتشارات ققنوس.
- تقی‌زاده، س، (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی فرهنگ شهرنشینی در میان خانواده‌های مرفه‌نشین و غیرمرفه‌نشین منطقه ۲ شهر تهران براساس نظریه نوربرت الیاس.
- توسلی، غ؛ نجاتی حسینی، م، (۱۳۸۳)، واقعیت‌های اجتماعی شهروندی در ایران، مجله جامعه‌شناسی، ایران دوره پنجم، ۵، ۶۲-۳۲.
- خلفی، ش، (۱۳۸۳)، مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان پایبندی به اخلاق شهروندی در میان شاغلین مراکز دانشگاهی مورد شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد.
- ذکائی، م، (۱۳۸۰)، اخلاق شهروندی، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۵، ۶۱-۸۰.
- روح‌الامینی، م، (۱۳۸۵)، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران، تهران: انتشارات عطار.
- ریتزر، ج، (۱۳۸۹)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی چاپ شانزدهم.
- سخاوت، ج، (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: انتشارات سمت.
- سراج‌زاده، م؛ پویافر، م، (۱۳۸۷)، بررسی رابطه دینداری با احساس آنومی و کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان، مسائل اجتماعی ایران، سال ۱۶.
- سیدمن، ا، (۱۳۸۸)، کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، (ه، جلیلی، مترجم) تهران: نشرنی، چاپ دوم.
- شربتیان، م، (۱۳۸۷)، تأملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه راهکارهایی برای گسترش آن.
- فاطمی‌نیا، س؛ حیدری، س، (۱۳۸۹)، عوامل مرتبط با تعهدات شهروندی، سال دهم، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۸.
- فالكس، ک، (۱۳۸۱)، شهروندی، (م، دلفروز، مترجم) تهران: کیمیا.
- فکوهی، ن، (۱۳۸۸)، تقویت اخلاق شهروندی راهی برای گذار به مردم‌سالاری مشارکتی، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره دوم، شماره دوم.
- کریمیان، م؛ زارعی، غ، (۱۳۹۶)؛ عوامل مؤثر برون‌گرایی جوانان در فرهنگ شهرنشینی، دوره ۱۶، نشریه مدیریت شهری، ۴۶.

- کیویستو، پ، (۱۳۷۸)، اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، (م، محسنی، مترجم) تهران: انتشارات نشر نی.
- نقی‌زاده، م، (۱۳۸۱)، نظریه شهروندی و فرهنگ و تمدن ایرانی، ۱۸۳.
- نیکزاد، ا، (۱۳۹۸)، بررسی رابطه فرهنگ شهرنشینی با تعاملات در فضاهای شهری در شهر ملایر، دانشگاه پیام نور استان همدان، مرکز پیام نور همدان.
- هاشمیان فر، س؛ گنجی، م، (۱۳۸۸)، تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان، سال بیستم، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۳.
- همتی، ر؛ احمدی، و، (۱۳۹۲)، تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین‌کننده آن در شهر ایوان، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۸.
- Blau, P. (۱۹۶۴). Exchange and Power in Social Life. New York: John Wiley and Sons.
- Bourdieu, P. &. (۱۹۷۹). the Inheritors: French Students and their Relations to Culture. Chicago: University of Chicago Press.
- Dahlgren, P. (۲۰۰۹). Media and political engagement: citizenship, communication and democracy. New York: Cambridge University Press.
- Giddens, A. (۱۹۸۴). The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration. California: Berkeley University of California Press.
- Goffman, E. (۱۹۸۱). Forms of talk. Oxford: Basil Blackwell.
- Manstead, A. S. (۱۹۹۶). The Blackwell Encyclopedia of Social Psychology Manstead. (M. Hewstone, Ed.) Blackwell publishers.
- Reber, J. E. (۲۰۰۱). Identity formation, identity crisis and personality. Journal of Personality, ۴۳۵, ۸۷۶-۸۷۷.

The effect of cultural structuring on the cultural interaction of urban culture among members Faculty of Payame Noor University

Abstract

Urban culture the citizenship identities and the foundations of agency are embedded. Considering the cultural diversity in the country, one of the reasons for observing urban culture can be related to cultural structuring. The research method is fundamental and applied in terms of purpose and to achieve the research goals, the combined research method has been used. In the qualitative research method, using the Delphi method to review sources, documents and interviews, ۱۷ people have been selected as a statistical sample. The basis of factor analysis and approval of experts, the concepts were indexed. In the quantitative method, the hypotheses are examined by compiling a questionnaire and the quantitative method of structural equations. The statistical population is all faculty members of Payame Noor University with a sample size of ۳۵۱ people based on Morgan table and cluster sampling method covering all ethnicities. It has been found that the Cronbach's alpha value is 0.85 . Was determined. Data were analyzed using Spss and Amos software. Findings show that in Islamic structuring, the belief system is influenced by the personality system and Islamic norms and Islamic and military actions are affected. Which confirms the theories of Durkheim and Bourdieu in this regard has had an impact on Western structuring, Western belief and personality system, influenced by Western norms. Which is consistent with the theories of Parsons and Armah. In Iranian structuring, belief is influenced by Iranian actions and the personality system. Which is consistent with Turner and Armea theories and based on local structuring, belief influenced by local belief and personality system has had an effect on the practice of observing urban culture. Which indicates the confirmation of Dalgaran's theory in this regard.

Keywords: cultural action, urban culture, cultural structuring, Islamic cultural structuring, Western cultural structuring, Iranian cultural structuring, local cultural structuring.

